

Profit Disputes and Water Security Crisis in the Joint Catchment Area in West and Southwest Asia

Elahe Jadidi

M.A. in Political Science, University Guilan, Iran, elahejadidi68@gmail.com

Ahmad Jansiz*

Assistant Professor, University of Guilan, Iran (Corresponding Author)

jansiz@guilan.ac.ir

Abstract

Objective: This article aims to understand and explain the dimensions of the water crisis in the West and Southwest Asia region and to study and analyze the security-political view of the occupying regime in Jerusalem on water resources in the region, how it can overshadow the region's water equations as well as Turkey's plans for the development of water resources in the region, how does it seek to achieve its goals and become the industrial hub of the region, which in the end, both actors have become the main stimulus to create serious tensions and challenges in the region.

Method: The research method of this article is descriptive-analytical and the study of the subject is comparative in the framework of "geopolitical and hydropolitical" theory. The necessary information has been collected using the library method and by referring to books, articles, and domestic and foreign publications.

Results: The findings show that the water security crisis is one of the most important geopolitical challenges in West Asia. This region is one of the water-scarce regions of the world, which has led many countries in this region to conclude unconventional treaties and political measures. Most West Asian countries have common rivers, and these rivers are often exposed to over-exploitation without major planning. Over the past half-century, the Arab-occupation conflict in Jerusalem, followed by Turkey's water development goals and geostrategic measures in West Asia, has necessitated the analysis of water diplomacy in the region.

Conclusion: In fact, political divisions do not correspond to natural watersheds and international borders between countries do not comply with it. Water has become widespread in the country and throughout the Middle East and the Islamic world, which in the near future will lead to water wars in the country and throughout the Middle East. This article has documented and analyzed the descriptive-analytical method of the water security crisis in the occupying regime of Jerusalem and the role of Turkey and its one-sided goals and its consequences in the Islamic world.

Keywords: Water Crisis, Water Hydropolytic, West Asia.

مناقشات منفعت طلبانه و بحران امنیتی آب در حوزه آبریز مشترک در منطقه غرب و جنوب غرب آسیا

الهه جدیدی

کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری گیلان elahejadidi68@gmail.com

احمد جانسیز*

استادیار دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) jansiz@guilan.ac.ir

چکیده

هدف: این نوشتار در نظر دارد برای فهم و تبیین ابعاد بحران آب در منطقه غرب و جنوب غرب آسیا و بررسی و تحلیل نگاه امنیتی-سیاسی رژیم اشغالگر قدس به منابع آبی در منطقه که چگونه می تواند معادلات آبی منطقه را تحت شعاع قرار دهد و کشور ترکیه نیز با وجود برنامه های توسعه منابع آبی در منطقه، چگونه به دنبال تحقق اهداف خود و تبدیل شدن به قطب صنعتی منطقه است که در نهایت هر دو بازیگر به محرک اصلی ایجاد تنش و چالش جدی در منطقه مبدل شده اند.

روش: روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و مطالعه موضوع به صورت تطبیقی در چهارچوب نظریه «ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک» است. اطلاعات لازم با استفاده از شیوه کتابخانه ای و با مراجعه به کتاب ها، مقالات، و نشریات داخلی و خارجی گردآوری شده است.

یافته ها: یافته ها نشان می دهد که بحران امنیتی آب یکی از مهم ترین چالش های ژئوپلیتیک در آسیای غربی مطرح است. این منطقه جزء مناطق کم آب دنیا است که همین امر بسیاری از کشورهای این منطقه را به عقد پیمان ها و تدابیر سیاسی غیرمتداول واداشته است. بیشتر کشورهای آسیای غربی رودخانه های مشترکی دارند و این رودخانه ها غالباً بدون طرح و برنامه ریزی کلان در معرض بهره برداری بیش از حد آب قرار دارند. در طول نیم قرن گذشته منازعات اعراب-رژیم اشغالگر قدس و به دنبال آن اهداف توسعه آبی ترکیه و تدابیر ژئواستراتژیک این کشور در آسیای غربی لزوم آنالیز دیپلماسی آب در منطقه را تحقق بخشیده است.

نتیجه گیری: درواقع تقسیمات سیاسی منطبق بر حوضه های آبریز طبیعی نیست و مرزهای بین المللی بین کشورها نیز با آن منطبق نیست و این عدم تطابق تقسیمات سیاسی با حوضه های آبریز سبب اصلی ایجاد سوء مدیریت و عدم مدیریت بهینه منابع آب و در طولانی مدت سبب ایجاد بحران و تنش آبی در کشور و در کل منطقه خاورمیانه و جهان اسلام شده امری که در آینده نزدیک منجر به جنگ آب در کشور و نیز در سراسر خاورمیانه خواهد شد. این مقاله به صورت اسنادی و با شیوه توصیفی-تحلیلی بحران امنیتی آب در رژیم اشغالگر قدس و نقش ترکیه و اهداف یک سوپه آن و تبعات آن در جهان اسلام را مورد تحلیل قرار داده است.

واژگان کلیدی: بحران آب، هیدروپلیتیک آب، آسیای غربی.

مقدمه

مسئله آب در منطقه آسیای غربی به طور اعم و در جهان اسلام به طور اخص جزء تفکیک ناپذیری از مشکل توسعه اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در کشورهای این منطقه محسوب می شود. بررسی ابعاد مسئله آب های منطقه در اصل برای درک ابعاد طرح ها و نقشه های توسعه منابع آبی است که از سوی کشورهای منطقه دنبال می شود. آب هم اکنون منشأ بروز اختلافات مرزی و اساسی موضع گیری های خصمانه یا دوستانه برخی کشورهای آسیای غربی شده است. در برخی دیگر از کشورها آب به ابزار و حربه ای سیاسی جهت اعمال مقاصد و اجرای منافع خود شده است، از این فراتر به اعتقاد برخی از سیاستمداران منطقه آسیای غربی در سال های آتی مشاهده بروز درگیری های مسلحانه بر سر نحوه مدیریت و تقسیم بندی منابع آبی مشترک خواهد بود. بیشتر کشورهای آسیای غربی رودخانه های مشترکی دارند و این رودخانه ها غالباً بدون طرح و برنامه ریزی کلان در معرض بهره برداری بیش از حد آب قرار دارند.

آب همواره یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار در تعاملات منطقه خاورمیانه محسوب می شود. در مناقشات خاورمیانه، آب یکی از عوامل اصلی تنش و تعارض میان کشورهای این منطقه در گذشته و حال بوده است و در آینده نیز به عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر سیاست های منطقه عمل خواهد کرد. کشورهای خاورمیانه از کمبود جدی آب رنج می برند و این منطقه اساساً با مشکل جدی آب مواجه است البته درجه اهمیت این موضوع در کشورهای مختلف، متفاوت است. در میان کشورهای خاورمیانه فقط لبنان، ترکیه و ایران برای برآورده کردن نیازهای آبی حال و آینده خود دارای منابع آب طبیعی کافی هستند. برخی از صاحب نظران خاورمیانه بر این باورند که در آینده، آب به عنوان کالای کمیاب و گران جای نفت را خواهد گرفت و محور اصلی مناقشات و مصالحه ها در دهه آتی خواهد بود. رژیم اشغالگر فلسطین نیز در سرزمین های اشغالی با کمبود جدی آب مواجه است و از همین رو تأمین منابع آبی برای آنها از اهمیت اساسی برخوردار بوده و برای امنیت و بقای این رژیم عنصر اساسی است. چنان که یکی از مهم ترین اهداف اشغالگری سرزمین های فلسطینی تسلط بر منبع آبی این سرزمین بوده است و بقای یهودیان در فلسطین به نتیجه چالش و مبارزه بر سر منابع آب بستگی دارد. رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس در سال ۱۹۴۸ تاکنون از بحران کم آبی شدید رنج می برد، زیرا این رژیم منابع آبی ثابتی ندارد؛ بنابراین، در بسیاری اوقات برای برون رفت از این بحران با توسل به زور دست به اقداماتی از جمله سرقت آب و منابع آبی در سرزمین های فلسطین در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه زده است. چنین سیاستی از سوی اسرائیل، با آغاز جنگ سال ۱۹۶۷، با شدت بیشتری دنبال شد و پس از جنگ نیز رژیم اشغالگر فلسطین، برخی قوانین نظامی خود را برای کنترل منابع آبی فلسطین، بر فلسطینیان تحمیل کرد. در راستای دستیابی به منابع آبی بیشتر، رژیم اشغالگر فلسطین رفته رفته

به اشغال نقاط دیگر روی آورد که از جمله آنها بلندی‌های جولان بود. بلندی‌های استراتژیک جولان، مشرف بر منطقه‌ای تحت عنوان قلقیلیه است و آب‌های حاصل از چشمه‌های جولان قبل از ورود به رود اردن به دریاچه قلقیلیه می‌ریزد و رژیم اشغالگر فلسطین درصد قابل توجهی از آب آشامیدنی خود را از آن تأمین می‌کند. از این رو است که رژیم اشغالگر فلسطین از زمان اشغال این سرزمین، تاکنون به هیچ‌وجه حاضر به تخلیه آن نشده است. به اعتقاد صاحب‌نظران امر در رژیم اشغالگر فلسطین یکی از کم‌هزینه‌ترین راه‌های تأمین آب مورد نیاز برای رژیم اشغالگر فلسطین بی‌شک تأمین آن از کشور ترکیه است، زیرا علاوه بر اینکه این کشور دارای منابع عظیم آبی است، دارای سطح خوبی از روابط با رژیم اشغالگر فلسطین است و نشانه‌ای از دشمنی با این رژیم در مسئولین ترکیه‌ای دیده نمی‌شود. تأمل در موضوع نیاز آب در رژیم اشغالگر فلسطین مسائل مهمی را چه در سطح اجتماعی و چه اقتصادی و سیاسی به ما نشان می‌دهد؛ از جمله اینکه به لحاظ کشاورزی مسئولین این رژیم این ضرورت را احساس می‌کنند که برای نیل به استقلال کامل در تهیه مواد غذایی مورد نیاز باید آب مورد نیاز خود را تأمین کنند. همچنین برای توسعه صنعتی و رفاه اقتصادی و تأمین نیاز شهروندان خود، مقامات رژیم اشغالگر فلسطین مجبور هستند تا منابع جدیدی را تأمین کنند.

یکی از بازیگران مورد بررسی در این نوشتار استراتژی رژیم اشغالگر قدس در زمینه آب است که دارای نگاهی کاملاً نظامی و دیپلماتیک است و بر حمایت کشورهای قدرتمند و هم‌جوار استوار است و نگاه رژیم اشغالگر قدس به منابع آبی نه یک نگاه اقتصادی، بلکه یک مسئله سیاسی - امنیتی است که با موجودیت و هستی آن ارتباط تنگاتنگ دارد. رژیم اشغالگر قدس با تکیه بر ظرفیت‌های تکنولوژیکی و توسل بر زور و تهدید و حتی تمسک بر روش‌های مسالمت‌آمیز در کنار تهاجمات، معادلات آبی منطقه را تحت تأثیر قرار داده و به یکی از چالش‌های جدی در منطقه تبدیل شده است. به نظر می‌رسد رژیم اشغالگر قدس بر اساس اصل خودیاری برای حفظ امنیت منابع آبی خود به میزان زیادی در راستای رسیدن به منافع آبی است. به‌طور کلی دسترسی به امنیت آبی و سلطه بر منابع آبی منطقه از جایگاه ویژه‌ای در استراتژی توسعه‌طلبانه رژیم اشغالگر قدس مطرح است.

پیشینه‌های تحقیق

۱. مصطفی دولتیار و تیم اس‌گری در کتاب سیاست آب در خاورمیانه، (۱۳۸۹). در پی اثبات این ادعا است که شواهد تاریخی نشان می‌دهد در مناقشات خاورمیانه، آب یکی از عوامل اصلی تنش و تعارض میان کشورهای این منطقه در گذشته و حال بوده است و در آینده هم به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر سیاست‌های منطقه عمل خواهد کرد.

یافته‌های محققان نشان می‌دهد که سیاست برنامه‌ریزی آب یک سیاست ملی است و یک عامل بحران در خاورمیانه به شمار می‌آید. عدم تناسب فزاینده میان جمعیت و منابع آب موجود در همه کشورهای خاورمیانه هم از عوامل دیگر کشمکش است. کمبود منابع آبی در خاورمیانه، ناشی از عواملی چون شرایط محیطی و فقدان برنامه‌ریزی است، اما توزیع نامطلوب، تخصیص نامتناسب و هدر دادن آب را می‌توان علل اصلی این بحران پنداشت.

۲. طیبیه وطنی در کتاب آب، چالش آینده خاورمیانه (۱۳۹۱). به بحث درباره منابع آب و چالش‌های آینده در خاورمیانه، از دیدگاه سیاسی می‌پردازد که با توجه به بحران‌های ناشی از آب در خاورمیانه، آفریقای مرکزی و شبه‌جزیره هند، و به‌ویژه جنگ اخیر لبنان و اسرائیل، در آینده کشمکش به سر تصاحب منابع آن نقاط کثیر جهان را دچار حوادث بی‌شماری روبرو خواهد کرد.

۳. نقش اسرائیل در بحران آب خاورمیانه، علی معموری، سید آصف کاظمی، سخن تاریخ سال پنجم بهار ۱۳۹۰ شماره ۱۲، سؤال اصلی در خصوص نقش اصلی رژیم صهیونیستی در بحران آب خاورمیانه چیست. سلطه و استفاده رژیم صهیونیستی از آب‌های دریاچه طبریه، لیتانی، حاصبانی، گرانه رود اردن، منطقه جولان، مزارع شعبا در جنوب لبنان و ... تنها بخشی از جنایات این رژیم است و برای جهان و منطقه، بحران‌زا و خطرآفرین است و جهانیان و به‌خصوص جهان اسلام باید در برابر صهیونیست‌ها ایستاده، رؤیای از نیل تا فرات آنان را به کابوس تبدیل کنند و نگذارند که این رژیم با دنیای اسلام و سرمایه‌های آن چنین بازی کنند.

مبانی نظری پژوهش

مدیریت منابع آب و تأثیر آن بر امنیت

از مجموع کل آب‌های جهان، ۹۷/۴ درصد آن را آب شور دریاها و اقیانوس‌ها تشکیل می‌دهد که به دلیل شوری در عمل قابل استفاده نیستند ذخایر آب شیرین تنها ۲/۶ درصد کل حجم ذخایر آب‌های سطح زمین را تشکیل می‌دهد که بخش بیشتر آن به صورت یخ در قطب‌های کره زمین و یخچال‌های طبیعی و آب‌های زیرزمینی وجود دارد. به این ترتیب، از مجموع آب‌های کره زمین تنها ۰/۱۴ درصد آن قابل استفاده بوده و درواقع، حیات آدمی وابسته به همین مقدار ناچیز آب است. ملاحظه می‌شود به‌رغم اینکه بخش بیشتر سطح زمین را آب پوشانده، تنها بخش ناچیزی از آن برای بشر قابل استفاده بوده و درواقع، تمام برنامه‌ریزی‌های بشر باید با توجه به این محدودیت‌ها صورت پذیرد.^۱

۱. «نگاهی به وضعیت منابع آب در ایران و جهان»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.

محدودیت آب شیرین از یک طرف و افزایش روند مصرف از طرف دیگر، آب را به یک مسئله امنیتی تبدیل کرده است، زیرا اختلال در آب، اختلال در فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی، شرب و غیره را به دنبال خواهد داشت. کاهش سرانه آب شیرین یک معضل جهانی است و در همه کشورها وجود دارد، ولی این مسئله در مناطقی مانند آسیای غربی که در کمربند صحرایی جهان قرار دارد و دارای نرخ رشد جمعیت بالایی است، حادث‌تر است. جدای از رقابت‌ها و منازعات محلی و ملی که در مورد آب وجود دارد، در سطح بین‌المللی نیز به علت قرار گرفتن ۵۰ تا ۶۵ درصد مساحت هریک از قاره‌ها در حوضه‌های آبریز مشترک بین دو یا چند کشور، منازعات و رقابت‌های بین‌المللی در مورد آب، بسیار قابل توجه است. امروزه کاستی منابع آب شیرین، نقش بازدارنده‌ای در رشد اقتصادی و توسعه بسیاری از کشورهای جهان بازی می‌کند (وطنی، ۱۳۹۱: ۵).

بر اساس گزارش پنتاگون، در آینده‌ای نزدیک می‌توان شاهد جنگی فراگیر نه به دلیل نفت و انرژی، بلکه بر سر غذا و آب بود. در شرق کشور ایران، بارها شاهد تنش آبی بین ایران و افغانستان بر سر حقایق ایران از رود هیرمند بوده‌ایم. مصیبتی که زندگی و حیات را در شهر سوخته از بین برده تغییر جهت رود هیرمند و خشک‌سالی بوده همان مصیبتی که امروزه منطقه شرق کشور را دوباره تهدید می‌کند. اگر به فکر چاره نباشیم به زودی شاهد تهدیدهای امنیتی شدیدی خواهیم بود و پیامدی که گریزی از آن نیست.

برای اکثر کشورهای منطقه آسیای غربی، آب نوعی کالای راهبردی محسوب می‌شود. بسیاری از جنگ‌ها از جمله جنگ شش‌روزه در منطقه بر سر به دست آوردن منابع آبی بیشتر صورت گرفته‌اند. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند. کشورهای منطقه آسیای غربی با دو معضل بزرگ در حال و آینده دست‌به‌گریبان هستند و خواهند بود: یکی نفت که گاهی برای بهره‌برداری از آن بین کشورهای همسایه تنش‌هایی مشاهده می‌شود و دیگری حقایق و استفاده از این مایه حیات است (ناجی، ۱۳۸۲: ۱۲).

بحران آب در منطقه آسیای غربی

تقریباً بیش از نیمی از کشورهای منطقه آسیای غربی دارای حوضه‌های آبریز رودخانه‌ای و آبخوان‌های مشترک هستند و بهره‌برداری مشترک از آب رودخانه‌هایی که در منطقه آسیای غربی از کشوری به کشور دیگر جاری است، می‌تواند هم به‌عنوان عنصری برای ایجاد دشمنی و هم به‌عنوان ابزاری در جهت گسترش روابط میان کشورها مورد بهره‌برداری قرار گیرد و در صورت نرسیدن این کشورها به تفاهم بر سر چگونگی بهره‌برداری مشترک از این آب‌ها در آینده مشکلاتی در روابط میان آن‌ها پدید خواهد آمد. عنصر آب و مناقشات ناشی از آن به‌قدری حیاتی و ضروری است که می‌تواند نقش اقتدار برای استقرار صلح را داشته و موجبات همگرایی و همکاری را در میان بازیگران منطقه فراهم سازد یا بالعکس به مناقشه و رویارویی منجر شود.

اگر نفت به عنوان غنی ترین ذخیره طبیعی، تأثیر بلامنازعی بر روابط بین المللی در تمام دنیا دارد، آب هم که کمیاب ترین ذخیره طبیعی خاورمیانه است، در مقایسه با نفت نقش بیشتری را در روابط منطقه ای ایفا می کند. تا امروز ۳۰۰ پیمان بین کشورهای جهان برای حل مسائل موردی مختص منابع آب منعقد شده و در ۲۰۰۰ پیمان، بندهایی درباره آب منظور شده است؛ با این وجود، مدیریت هماهنگ حوزه های آبریز بین المللی نه یک قاعده، بلکه یک استثنا است. متأسفانه قوانین موجود در مورد نحوه بهره برداری از آب های بین المللی، کمک مؤثری به حل این رویارویی ها نمی کند که همین عامل می تواند اسباب منازعه را در منطقه آسیای غربی که دارای منابع آبی مشترک است را فراهم کند (حافظ نیا و نیکبخت، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۸).

متوسط بارندگی سالانه در این منطقه، یک سوم متوسط بارندگی در کره زمین است و آن میزان بارندگی نیز در سطح کشور توزیع یکنواختی ندارد و بیش از ۷۰ درصد منابع آب به آبیاری در بخش کشاورزی اختصاص داده می شود. اکنون حدود ۲/۳ میلیارد نفر در مناطقی زندگی می کنند که با کمبود متوالی آب و تنش آبی مواجه هستند و با ادامه این روند در سال ۲۰۲۵ تنش آبی در مناطق مختلف کره زمین نزدیک به ۵۰ درصد بالغ خواهد شد. این در حالی است که تا سال ۲۰۲۵ مناطقی فاجعه آمیز از نظر کمبود آب خواهیم داشت که منطقه آسیای غربی در مرکز این بحران قرار دارد. بر اساس آمار بانک جهانی منطقه آسیای غربی یکی از ناپایدارترین وضعیت منابع آبی، بر روی کره زمین محسوب می شود که کمترین دسترسی سرانه به آب را در دنیا دارد. شمار کشورهایی که در منطقه آسیای غربی با کمبود آب مواجه اند از ۳ کشور بحرین، اردن و کویت در سال ۱۹۵۵ با افزوده شدن الجزایر، قطر، عربستان سعودی، سومالی، تونس، امارات، یمن و فلسطین اشغالی به ۱۱ کشور در سال ۱۹۹۰ رسیده است و انتظار می رود ۷ کشور دیگر شامل ایران، مصر، لیبی، مراکش، عمان، سوریه و اتیوپی در سال ۲۰۲۵ به این فهرست اضافه شوند (چیت ساز، ۱۳۸۶: ۱).

در جدول زیر آمار تخمینی از جمعیت و نیاز آبی کشورهای آسیای غربی ارائه شده است:

جدول ۱. آمار تخمینی از جمعیت و نیاز آبی کشورهای آسیای غربی

منطقه	جمعیت (میلیون نفر)			درصد جمعیت در مناطق شهری (سال ۲۰۰۱)	آب سالانه شیرین تجدیدپذیر (کیلومتر مربع)	درصد آب شیرین مورد نیاز در بخش های		
	۱۹۷۰	۲۰۰۱	۲۰۲۵			خانگی	صنعتی	کشاورزی
آسیای غربی	۱۷۳/۴	۳۸۵/۶	۵۶۸	۵۹	۶۳۲/۳	۸	۵	۸۷
اردن	۱/۶	۵/۲	۷/۸	۷۹	۰/۹	۲۲	۳	۷۵
امارات	۰/۲	۳/۳	۴/۵	۸۴	۰/۲	۲۴	۹	۶۷
ایران	۲۸/۸	۶۶/۱	۸۸/۴	۶۴	۱۳۷/۵	۶	۲	۹۲
بحرین	۰/۲	۰/۷	۱	۸۸	۰/۱	۳۹	۴	۵۶
ترکیه	۳۵/۳	۶۶/۳	۸۵/۲	۶۶	۲۰۰/۷	۱۶	۱۱	۷۲
تونس	۵/۱	۹/۷	۱۲/۵	۶۲	۱/۴	۹	۳	۸۹
الجزایر	۱۳/۸	۳۱	۴۳/۲	۴۹	۱۴/۳	۲۵	۱۵	۶۰
سوریه	۶/۳	۱۷/۱	۲۷/۱	۵۰	۴۶/۱	۴	۲	۹۴
عراق	۹/۴	۲۳/۶	۴۰/۳	۶۸	۹۶/۴	۳	۵	۹۲
عربستان	۵/۷	۲۱/۱	۴۰/۹	۸۳	۲/۴	۹	۱	۹۰
قطر	۰/۱	۰/۶	۰/۸	۹۱	۰/۱	۲۳	۳	۷۴

کویت	۰/۷	۲/۳	۴/۲	۱۰۰	۰/۰۲	۳۷	۲	۶۰
لبنان	۲/۵	۴/۳	۵/۴	۸۸	۴/۶	۲۸	۴	۶۸
لیبی	۲	۵/۲	۸/۳	۸۶	۰/۶	۱۱	۲	۸۷
مراکش	۱۵/۳	۲۹/۲	۴۰/۵	۵۵۳۰	۳۰	۵	۳	۹۲
مصر	۳۵/۳	۸/۶۹	۹۶/۲	۴۳	۸۶/۸	۶	۸	۸۶

(Water Report No, 9 Tokyo University Press: 1995)

به‌طورکلی، منابع آب زیرزمینی در آسیا، و به‌ویژه در منطقه آسیای غربی در وضعیت بحرانی است دلیل این امر برداشت بیش‌ازاندازه آب زیرزمینی، بیشتر از نرخ طبیعی آن، که باعث افت پیوسته و دائمی سطح آب زیرزمینی می‌شود و همچنین تخریب کیفیت آب ناشی از ورود آب دریا به سفره‌های رسوبی ساحلی است (Water Report No, 9 Tokyo University Press: 1995).

در این جدول، همچنین در سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۱ و تخمینی از جمعیت این کشورها نیز در سال ۲۰۲۵ ارائه شده است. در این جدول، همچنین حجم آب شیرین تجدید پذیر سالانه کشورها مشخص است. البته لازم به ذکر است که این اعداد منابع آب شیرین تجدیدپذیر یک کشور را نشان می‌دهد؛ ذخایر تجدیدپذیر واقعی سالانه در هر سال متغیر است. این اطلاعات عموماً شامل آب سطحی و ذخایر زیرزمینی می‌باشند، که جریان‌های سطحی ورودی از کشورهای همسایه را نیز در برمی‌گیرد.

هرگونه صلحی میان اعراب و رژیم اشغالگر قدس، که منجر به صرف‌نظر رژیم اشغالگر قدس از بخشی یا تمام اقتدار خویش بر این منطقه باشد، باید به موضوع کنترل منابع آبی نیز بپردازد. اسرائیل و لبنان از یک‌سو و اردن از طرف دیگر بر سر منابع آب رودخانه‌های لیتانی و اردن، اختلاف دارند. همچنین می‌توان به جنگ ایران و عراق اشاره کرد که نزاع بر سر حقوق مالکیت آبی و بهره‌برداری از آن بود. همچنین ترکیه و سوریه هم تا مرز یک رویارویی نظامی در طول مسیر مرزی رودخانه دجله و فرات پیش رفتند. حوزه رود اردن نیز یکی از مناطق تشنج‌زا بر سر آب به شمار می‌رود روابط اردن و رژیم اشغالگر قدس به دلیل منابع آبی به نقطه بسیار حساسی رسیده بود. در سال ۱۹۷۴ عراق نیروهای عمده‌ای را در امتداد مرز مستقر ساخت و سد الثوره سوریه را تهدید به بمباران کرد و چنین استدلال کرد که این سد مقدار جریان آب فرات به آن کشور را کاهش داده است. مشکلات آبی مصر، عراق و سوریه، برای مثال به‌طور مستقیم بر روابط آنها با کشورهای همسایه که بر منابع نیل، رودخانه‌های دجله و فرات کنترل دارند تأثیر می‌گذارد. به‌طورکلی کشورهای منطقه حفظ منابع آب و تلاش برای تصاحب سهم بیشتر از منابع مشترک را یک اصل ملی-موجودیتی تلقی می‌کنند و نگرشی کاملاً سیاسی و هژمونیک به منابع آبی مشترک دارند.

هیدروپلیتیک رژیم اشغالگر قدس

موجودیت رژیم اشغالگر قدس نیز با آب مرتبط است و آب در کنار زمین، امنیت و نیروی انسانی ارزان قیمت از ارکان اساسی امنیت ملی رژیم اشغالگر قدس محسوب می شود. موضوع آب برای رژیم اشغالگر قدس از نظر پیچیدگی، هم طراز مسئله بیت المقدس است. حدود ۴۰ درصد از منابع پایدار آب رژیم اشغالگر قدس از محدوده کرانه باختری رود اردن، دریای جلیله و ارتفاعات جولان تأمین می شود و برخی تحلیل گران سیاسی اعتقاد دارند تنها آب است که سرانجام جنگ یا صلح در این منطقه را مشخص خواهد کرد. در صورتی که رژیم اشغالگر قدس مناطق کرانه غربی رود اردن را به فلسطینی ها بازگرداند صد در صد آب حاصل از ارتفاعات منطقه و حدود ۸۰ درصد از منابع آبی حوزه های آبی منشعب از آن را از دست می دهد. علاوه بر آن فلسطینی ها خواهان سهمی از آب حوزه رود اردن و بازسازی کانال های آبی غزه هستند. در این چهارچوب ترکیه مطمئن ترین انتخاب ممکن برای دسترسی به منابع غنی آب خواهد بود. قضیه آب و ملاحظات دیگر منطقه ای بی تردید پای اردن را نیز به ائتلاف نظامی و امنیتی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس خواهد کشاند. کما اینکه هم اکنون نیز شاهد این رویداد هستیم. ضمناً پیش بینی می شود رژیم اشغالگر قدس درصدد ساخت کانال هایی برای انتقال آب از رودخانه های دجله و فرات باشد. با توجه به اینکه آب این رودخانه شریان حیاتی سوریه و عراق است، چنین اقدامی از سوی رژیم اشغالگر قدس بسیار خطرناک و در حقیقت «جنگ آب» خواهد بود (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

محدودیت منابع آب در رژیم اشغالگر قدس یکی از عوامل مهم توجه این کشور به عراق را تشکیل می دهد. هم اکنون رود اردن تأمین کننده ۵۰ درصد نیازهای آب شیرین رژیم اشغالگر قدس است. رژیم اشغالگر قدس آب شیرین مورد نیاز خود از طریق خطوط لوله و کانال های آب رسانی از این دریاچه تأمین می کند. وجود ذخایر آب و سرچشمه های آب شیرین در شمال عراق باعث شده است که انتقال آب شیرین عراق از طریق اردن به رژیم اشغالگر قدس جزو اهداف راهبردی رژیم اشغالگر قدس قرار گیرد (همان).

منابع اصلی تأمین آب رژیم اشغالگر قدس چند رودخانه است که از بلندی های شمال کشور سرچشمه می گیرند و به داخل دریاچه کینرت می ریزند. رودخانه باناس از خاک سوریه آغاز می شود، رودخانه حصبانی از لبنان سرچشمه می گیرد و رودخانه دان در داخل رژیم اشغالگر قدس قرار دارد، که آب هر سه به کینرت سرازیر می شود. هرگاه آب دریاچه کینرت به اوج خود می رسد، سد رودخانه اردن را می گشایند و بخشی از آب دریاچه به این رودخانه سرازیر می شود که زمین های کشاورزی اطراف را آبیاری می کند و بقیه آن به دریای نمک (بحرالمیت) می ریزد. به علت کمبود باران و نبود رودخانه کافی، و با توجه به آنکه رژیم اشغالگر قدس در حاشیه یک منطقه بیابانی قرار گرفته، کمبود آب به صورت یکی از مشکلات اساسی کشور درآمده است. حوزه

رود اردن نیز یکی از مناطق تشنج‌زا بر سر آب به شمار می‌رود منبع آبی این منطقه به شکل خطرناکی مورد بهره‌برداری بی‌رویه قرار می‌گیرد روابط اردن و رژیم اشغالگر قدس به دلیل منابع آبی به مراحل بسیار بحرانی رسیده بود (همان).

هیدروپلیتیک ترکیه

ترکیه در راستای سیاست هیدروپلیتیک خود مترصد اعمال فشار بر کشورهای است که در استفاده از رودخانه‌های مشترک مرزی ذی‌نفع هستند. هم‌اکنون ترکیه مشغول تکمیل ۲۳ سد و ۱۹ پروژه تولید برق از آب بر روی رودخانه‌های دجله و فرات است و در پروژه وسیع منطقه آناتولی نیز از این رودخانه‌ها به نحو احسن استفاده می‌کند که در نهایت سالانه ۷ میلیون هکتار اراضی اطراف را آبیاری و ۲۷/۳ میلیارد کیلووات برق تولید می‌کند. در دسامبر سال ۱۹۹۵، سوریه به اتفاق مصر، بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی بیانیه‌ای صادر و طی آن ترکیه را به خاطر کاهش جریان آب رودخانه‌ای فرات به سمت سوریه محکوم کردند. بیانیه مذکور هم‌چنین ترکیه را به آلوده ساختن آب رودخانه فرات متهم می‌کرد. (www.aftab.ir)

هیدروپلیتیک فلسطین

فلسطینیان در دو قسمت کرانه باختری رود اردن در شرق و باریکه غزه در جنوب غرب ساکن هستند. آب‌وهوای فلسطین از نوع مدیترانه‌ای است که دارای دو فصل مرطوب زمستانی و تابستان گرم و خشک است، میانگین بارش سالانه ۵۰۰-۴۵۰ میلی‌متر است که از شمال به جنوب و از نواحی مرتفع به نواحی پست کاهش می‌یابد. بارش‌ها عمدتاً از نوع رگباری شدید است، میزان بارش در شمال باریکه غزه ۴۰۰ میلی‌متر و در بحرالمیت کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر است. میانگین نرخ رشد جمعیت مردم فلسطین ۳/۴۵ درصد است که این میزان در کرانه باختری ۳/۱۳ درصد و در باریکه غزه ۳/۷۷ درصد در سال ۲۰۰۵ گزارش شده است.

تنها رودخانه دائمی فلسطین رودخانه اردن است که از سه سرچشمه اصلی بانیاس در ارتفاعات جولان، دن در رژیم اشغالگر قدس و هنسبانی در لبنان سرچشمه می‌گیرد. آب این رودخانه به سمت جنوب از طریق دریاچه هولاً به طرف دریاچه تیبیریا جریان می‌یابد، بعد از الحاق شاخه‌های یارموک و زرکا به سمت جنوب می‌ریزد، ارتفاع این دریاچه ۴۰۰ متر پایین‌تر از سطح دریا است. طول رودخانه اردن بالغ بر ۳۶۰ کیلومتر و حوضه آبریز آن ۱۸۳۰۰ کیلومترمربع است، در حقیقت این رودخانه در لبنان، سوریه، فلسطین و اردن جاری است (Obidallah, 2009). تا دهه ۱۹۵۰ حدود ۱۳۰۰ میلیون مترمکعب آب از رودخانه اردن برای نقب و سایر پروژه‌های آب برداشت می‌کند، جریان سالانه رودخانه اردن هم‌اکنون به کمتر از ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب با کیفیت بد و شور تقلیل یافته است.

رواناب حاصل از سیلاب سطحی در کرانه باختری به طور متناوب در مواقعی که میزان بارش طی یک روز از ۵۰ میلی متر با طی دو روز از ۷۰ میلی متر تجاوز می کند، حادث می شود. کل جریان سیلاب در فلسطین حدود ۹۰ میلیون مترمکعب در سال است. با این تفاسیر آب زیرزمینی منبع اصلی ذخایر آب شیرین در فلسطین است. در فلسطین ۱۱ حوضه آب زیرزمینی وجود دارد که ۴ حوضه آن در کرانه باختری و باریکه غزه به طور کامل یا جزئی قرار دارد. حدود ۱۳۴۵ میلیون مترمکعب در سال از حوضه های آب زیرزمینی از طریق بیش از ۴ هزار حلقه چاه برداشت می شود. این سفره ها از طریق بارش ارتفاعات در کرانه باختری تغذیه می گردند. حجم بارش سالانه در کرانه باختری حدود ۳۴۰۷/۵ میلیون مترمکعب است. برآورد می شود که ۶۵۰-۶۰۰ میلیون مترمکعب این بارش در خاک نفوذ کرده و سفره آب زیرزمینی را تغذیه کنند. سفره آب زیرزمینی ساحلی غزه ادامه سفره کم عمق ساحلی ماسه ای / ماسه سنگی رژیم اشغالگر قدس است که به دوره پلیوسن-پلیوستوسن تعلق دارد، از طریق ۲۲۰۰ حلقه چاه با عمق ۲۵ تا ۳۰ متر از این سفره برداشت به عمل می آید (Isaac, 1999).

حجم سالانه آب برداشتی ۵۵ میلیون مترمکعب است، ولی سالانه بیش از ۱۲۰ میلیون مترمکعب از این سفره برداشت می شود. این امر سبب پایین رفتن سطح سفره آب زیرزمینی به زیر سطح دریا شده و نفوذ آب شور در بسیاری از نواحی به همراه دارد. منابع اصلی شوری آب سفره آب زیرزمینی، نفوذ آب شور عمقی از لایه های شور عمیق تر، نفوذ آب شور دریا و جریان های برگشتی آبیاری اراضی در غزه و نقب است. شور شدن ۹۵ درصد از آب های زیرزمینی، آلوده شدن آب ناشی از پسماندهای صنعتی و کشاورزی مایع و سخت است که پیامدهای منفی آن برای منابع آب، محیط زیست و بهداشت زندگی بیش از یک میلیون و شش صد هزار فلسطینی را تهدید می کند (The same P12).

بحران آب در نوار غزه از سال ۱۹۴۸ تاکنون هر سال بدتر از سال قبل از آن شده است چون شمار زیادی از فلسطینیان ساکن مناطق یافا و جنوب آب به نوار غزه مهاجرت کردند که افزایش جمعیت این منطقه و مصرف منابع محدود آب زیرزمینی که تنها منبع منطقه است را در پی داشت، درحالی که توانمندی سالانه آب تجدیدشونده فقط ۵۰ میلیون مترمکعب است.

همچنین با توجه به شور شدن منابع آب زیرزمینی که باعث شده برای استفاده انسان و حتی کشاورزی قابل استفاده نباشد، کمبود آب سالانه دستکم ۱۶۰ میلیون مترمکعب است. این موضوع نشان می دهد سامانه آبی نوار غزه، مبتنی بر منابع آب زیرزمینی است که حفظ آن نیازمند تدابیر هیدرولوژی بسیار پیچیده و پرهزینه، امکانات مالی عظیم و منابع آب جاری دستکم ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب برای توقف پمپاژ آب از لایه های صخره ای زمین است.

بسیاری از مؤسسات و جمعیت های دولتی و غیردولتی نسبت به خطرات ویرانگر برای سامانه آب های زیرزمینی غزه هشدار داده و اتخاذ تدابیر فوری برای رفع این خطر را خواستار شدند،

اما تاکنون هیچ نهاد یا موسسه‌ای در سطوح داخلی، منطقه‌ای و جهانی به این موضوع توجه نشان نداده است.

تأمین آب برای مصارف خانگی، صنعتی، کشاورزی و شرب در کرانه باختری و نوار غزه و حفظ منابع آب زیرزمینی بزرگ‌ترین چالش فلسطین خواهد بود که نیازمند اتخاذ تدابیر قانونی، اداری و فنی و اجرای پروژه‌های عمرانی است (The same P13).

هیدروپلیتیک عراق

مرزهای عراق از نظر طبیعی و توپوگرافیکی با کشورهای ایران، ترکیه و تا حدودی سوریه، مرزهای کوهستانی و صعب‌العبور است، ولی مرز مشترک عراق بین کویت، عربستان و قسمت‌هایی از سوریه، بی‌عارضه یا کم‌عارضه است، به همین دلیل مرزهای ایران-عراق و عراق-ترکیه از نظر توپوگرافیکی مرزهای طبیعی محسوب می‌شوند (نامی و محمدپور، ۱۳۸۶: ۵-۲). سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد مترمکعب آب از طریق ریزش‌های جوی وارد کشور می‌شود، منابع آب سطحی این کشور حدود ۸۰ میلیارد مترمکعب می‌باشند که ۳۱ میلیارد آن مربوط به رودخانه فرات و ۵۰ میلیارد مترمکعب آن مربوط به رودخانه دجله است. مشکل فعلی کشور عراق کیفیت آب رودخانه‌ها است، کیفیت آب رودخانه در طول مسیر به دلیل عبور از میان تشکیلات نسبتاً شور و زهکش اراضی کشاورزی به تدریج پایین آمده و در پایان شور می‌شود. مشکل دیگر جریان متغیر رودخانه‌های دجله و فرات می‌باشند که باعث شده تا عراق در معرض سیل‌ها و خشک‌سالی‌های مکرر قرار بگیرد. منابع آب زیرزمینی عراق تا حدود ۲ میلیارد مترمکعب تخمین زده‌اند (مجله الوحده، ۱۳۹۰: ۲۷). میزان آب‌های سطحی ورودی از ایران سالانه حدود ۹/۷ میلیارد مترمکعب است (نهایزی، ۱۳۷۸: ۷۱).

بر این اساس میانگین سرانه آبی هر نفر در سال بین دو هزار تا دو هزار و چهارصد مترمکعب متغیر بوده و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰، نیاز آبی بخش کشاورزی این کشور به حدود هفتادوپنج میلیارد مترمکعب بالغ شود. با توجه به حجم ریزش سالیانه و میزان آب‌های سطحی عراق، این کشور از مازاد آب سطحی و رودخانه‌ای برخوردار است، ولی ضعف مدیریت، نبود سرمایه‌گذاری و نبود کنترل آلودگی، مانع استفاده بهینه از آب شده است. با توجه به اینکه عراق در قسمت انتهایی زهکشی رودخانه‌های دجله و فرات قرار دارد، این آب‌ها در اثر تماس با املاح ضایعات کشاورزی و آلودگی‌های شیمیایی استفاده‌کنندگان بالادست، تقریباً به پایین‌ترین حد کیفی تنزل یافته است (نهایزی، ۱۳۷۸: ۷۱). رودخانه‌ها با ارزش‌ترین بخش منابع آبی عراق بوده و حیات اقتصادی بخش جلگه‌ای بین‌النهرین وابسته به آن است. اهمیت این جلگه که دنباله آن در خاک ایران قرار دارد، به دلیل وجود دو رودخانه بزرگ دجله و فرات است که در سرتاسر این کشور جریان می‌یابد.

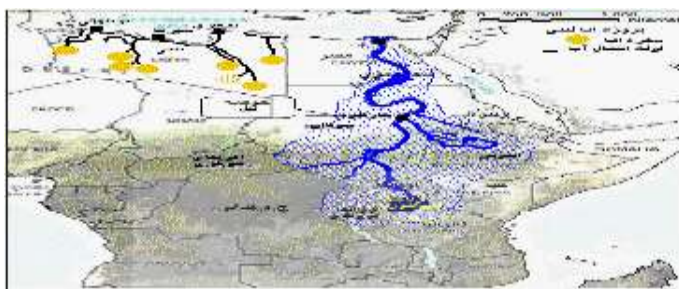
سرچشمه‌های دجله و فرات و انشعاب‌های فرعی عمده فرات در ترکیه قرار دارند. جریان‌های طبیعی رودخانه بسیار متغیر هستند و میانگین آبدهی سالانه فرات در مرز سوریه-ترکیه ۳۰/۳۷۷ کیلومتر مکعب بوده و در عراق ۳۱/۸ کیلومتر مکعب است، اما این میزان از ۱۶ تا ۵۰ کیلومتر مکعب متغیر است. میانگین آبدهی سالانه دجله در مرز ترکیه ۱۶/۸ کیلومتر مکعب است و این مقدار در موصل ۱۸/۵ کیلومتر مکعب است. انشعاب‌های فرعی واقع در عراق به این مقدار ۲۶/۷ کیلومتر مکعب دیگر می‌افزایند. بیش از ۹۸ درصد جریان رود فرات از جمله انشعاب‌های فرعی عمده رودخانه‌های (خابور)، (سجور)، (بلیخ) از ترکیه سرچشمه می‌گیرد. هرچند ترکیه تنها ۲۸ درصد منطقه حوزه این رودخانه را در اختیار دارد. ترکیه همچنین در ۴۵ درصد جریان رود دجله سهم است باقی‌مانده آب رودخانه دجله در انشعاب‌های فرعی واقع در عراق جاری می‌شود که سرچشمه‌های آن در ایران قرار دارد. همچنین جدا از این دو رود و شط العرب، چهار رودخانه کوچک و فرعی دیگر به نام‌های زاب کوچک، زاب بزرگ، دیاله و عظیم رود در این سرزمین جریان دارد که به رودخانه دجله متصل می‌شوند. با توجه به سرچشمه گرفتن دو رودخانه زاب کوچک و دیاله از ایران و جریان سایر رودخانه‌ها از دامنه‌های غربی رشته جبال زاگرس در ایران (۲۵ رودخانه) که سالیانه حدود ۹/۷ میلیارد متر مکعب آب‌های سطحی این کشور را به دجله و حوضه‌های آبریز سرازیر می‌کنند، می‌توان گفت که درصد قابل‌توجهی از آب رودخانه دجله از منابع آب‌های سطحی ایران تغذیه می‌شود. بر این اساس نزدیک به یک‌پنجم آب‌های جریان یافته در حوضه آبریز دجله مربوط به آب‌های سطحی سرازیر شده از ایران است. برخی از سدهای مهم و حیاتی عراق عبارت‌اند از: سد بخره روی رودخانه زاب کوچک، سد دوگان روی رودخانه زاب، سد دربندیخان بر روی رودخانه دیاله، سد سامره روی رودخانه دجله، سد هندیه و سد کوت. عراق تنها کشور حاشیه خلیج فارس است که کمترین ساحل را با آب‌های آزاد دارد و همین مسئله یکی از مشکلات استراتژیکی عراق است؛ به گونه‌ای که بر رفتارهای سیاسی-نظامی دولت عراق اثر گذاشته است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱: ۲۵۷).

الف) حوضه‌های آبریز مشترک در مناقشات منطقه آسیای غربی و جهان اسلام

۱. حوضه رود نیل

حوضه رودخانه نیل بین ۱۱ کشور مصر، سودان، اتیوپی، تانزانیا، جمهوری آفریقای مرکزی، جمهوری دموکراتیک کنگو، رواندا، بروندي و اریتره مشترک است. رود نیل با ۶۶۷۱ کیلومتر طول، طولانی‌ترین رودخانه جهان است و مساحت آن ۲/۹ میلیون کیلومتر مربع و یک‌دهم قاره آفریقا است. مساحت حوضه‌های آب ریز این رودخانه به ۷ میلیون کیلومتر مربع می‌رسد. در بین کشورهای حاشیه نیل، مصر و سودان استفاده‌کنندگان عمده منبع عظیم نیل هستند. ۹۵ درصد

جمعیت مصر در امتداد این رودخانه زندگی می‌کنند و ۹۷ درصد آب آشامیدنی و مصارف کشاورزی آنها از نیل تأمین می‌شود (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۳۸).



شکل ۲. حوزه رود نیل

www.Transboundarywaters.Orst.Edu/publications/register/tables/IRB_Africa.htm1
اگرچه ۸۵ درصد سرچشمه‌های رود نیل در کشور اتیوپی قرار دارد و کشورهای سودان، مصر سهم جغرافیایی کمتری را دارا هستند، ولی کشور مصر که از اوضاع سیاسی و اقتصادی بهتری برخوردار است، با تسلط بر وضعیت جغرافیایی در حکم فرمانروای منطقه محسوب می‌شود. کل بارانی که سالانه در مصر می‌بارد به ۵ سانتی‌متر بالغ می‌شود. سهمیه سالانه این کشور از نیل ۵۵/۵ میلیارد مترمکعب است و حدود ۶ میلیارد مترمکعب نیز از سهمیه سودان استفاده می‌کند، زیرا سودان هنوز در وضعیتی نیست که بتواند از تمامی سهمیه‌اش بهره‌برداری کند، مصر وابستگی حیاتی به رود نیل دارد، زیرا ۹۷ درصد منابع آبی مصر از نیل تأمین می‌شود که ۷۸ درصد از این میزان آب نیز در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. حجم آب‌های وارده به مصر به حدود ۹۱/۵ میلیارد مترمکعب می‌رسد. مصر با احداث سد العالی در اسوان مساحت زمین‌های زیر کشت خود را از یک میلیون هکتار به حدود ۷ میلیون هکتار در سال ۲۰۰۰ افزایش داد و بنابراین، حجم بهره‌برداری از آب نیل به ضرر سایر کشورها افزایش یافت.

تاریخ نشان داده است که کشورهای ذی‌نفع از حوزه آب ریز نیل نمی‌توانند برای توسعه و مدیریت منابع مشترک با هم به نحو ملموسی همکاری کنند. حوزه رود نیل نه یک موجودیت ژئوپلیتیکی منسجم است و نه جامعه‌ای از منافع اقتصادی. در ورای سیستم رودخانه‌ای، عامل مؤثری وجود ندارد که بتواند کشورهای مجاور رودخانه را به یکدیگر نزدیک کند و همکاری متقابل بین آنها برقرار کند. این واقعیت، همراه با برداشت‌های امنیتی مصر، به یک مانع صعب‌العبور در راه توسعه منابع آب، برای همکاری متقابل کشورها و مذاکرات چندجانبه تبدیل شده است.

همکاری بین کشورهای مجاور رودخانه نیل تاکنون به مصر و سودان محدود بوده است و در تمام قراردادهای بین‌المللی مربوط به رود نیل، اولویت به «حقوق تاریخی» مصر داده شده است. سد عظیم اسوان در درجه اول، تضمینی برای امنیت هیدرولوژیکی مصر محسوب می‌شود و این ملاحظه تاکنون از هرگونه انتقادی در مورد کارایی آن به‌عنوان یک مکانیسم تنظیم آب جلوگیری

کرده است. باوجوداین، هرگونه راه‌حل سیاسی یا فنی درازمدتی برای تأمین نیازهای آبی مصر، و نیز هرگونه طرح فراگیر مدیریت آب در حوزه رودخانه، بدون دخالت اتیوپی عملی نیست. به دلیل آنکه مصر کشور پایین‌دست نیل است نسبت به سودان و اتیوپی بیم آن دارد که توافق‌نامه‌های مشترک این دو کشور و خصوصاً همکاری آن‌ها با اسرائیل جهت انتقال آب نیل به ضرر مصر تمام شود. شیمون پرز، بارها با تأکید بر ضرورت اجرای روش‌های پیشرفته تأمین و حفاظت از منابع آبی، سه کشور مصر، سودان، اتیوپی و تکمیل پروژه‌های بین‌المللی برای توسعه آب نیل، تلویحاً از طرح‌های آبی گذشته و حال رژیم اشغالگر قدس در اتیوپی با عنوان روش‌های پیشرفته نگهداری آب دفاع کرده است.

تأمین بودجه هرگونه پروژه هیدروپلیکی بدون سرمایه‌گذاری خارجی که پیامدهایی را برای همکاری کشورهای مجاور رودخانه به ارمغان می‌آورد، امکان‌پذیر نیست. باوجوداین، پاره‌ای از مسائل تا حل نهایی فاصله زیادی دارند و بالاگرفتن مسائل مربوط به آب بستگی به سایر عوامل سیاسی دارد. درنهایت بزرگ‌ترین تهدید علیه ثبات منطقه‌ای این است که مصر، سودان و اتیوپی با چشم‌انداز خشک‌سالی‌های مکرر و احتمالاً شدیدتر روبرو هستند، و این امری است که تنها می‌توان با تلاش‌های بیشتر در صرفه‌جویی و حفظ منابع آب و تغییر و اصلاح برنامه‌ریزی بر آن چیره شد (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۴۰-۲۴۱).

۲. حوزه رودخانه‌های دجله و فرات

حوزه رودخانه‌های دجله و فرات ترکیه، سوریه، عراق و ایران را در برمی‌گیرد. سرچشمه‌های رودخانه‌های دجله و فرات و انشعاب‌های عمده فرات در ترکیه قرار دارند. جریان‌های طبیعی این دو رودخانه بسیار متغیر است. دجله پس از طی مسافتی زیاد در سوریه به عراق می‌ریزد. ترکیه در ۴۵ درصد جریان این رودخانه سهم است و بیش از ۹۸ درصد جریان فرات از ترکیه سرچشمه می‌گیرد. ۱۷ درصد از حوزه آب ریز این رودخانه در سوریه، ۴۰ درصد در عراق و ۱۵ درصد در عربستان سعودی قرار دارد. فرات با ۲۳۱۰ کیلومتر طول بعد از نیل، طولانی‌ترین رود در خاورمیانه است. بعد از آن رودخانه دجله با طول ۱۷۱۸ کیلومتر، ۴۷۱۶۰۶ کیلومترمربع حوزه آبریز دارد که ۱۲ درصد در ترکیه، ۲ درصد در سوریه و حدود ۵۴ درصد در عراق و ۳۴ درصد در ایران قرار دارد (Seligman, 2008: 28).



شکل ۳. حوضه رودخانه‌های دجله و فرات

www.transboundarywaters.orst.Edu/publications/register/tables/IRB_Asia.htm

ترکیه از مهم‌ترین کشورها در حوزه دجله و فرات است. پروژه‌های آبی ترکیه، عمدتاً جهت تأمین انرژی ارزان‌تر طراحی شده‌اند. باوجوداین، این کشور ۵۰ درصد انرژی مورد نیاز خود را وارد می‌کند. دجله و فرات ۴۰ درصد از ظرفیت بالقوه برق - آبی ترکیه را می‌توانند تأمین کنند. ترکیه برای رفع مشکل کم‌آبی و تولید انرژی برق - آبی بیشتر و ارزان‌تر، در مناطق جنوب شرقی طرحی را با نام «آناطولی جنوب شرقی» تهیه و اجرای آن را آغاز کرده است.

این طرح به نام پروژه GAP معروف است که شامل ۲۱ سد و ۱۷ نیروگاه آبی بر روی دجله و فرات و سرشاخه‌های آن است. اسرائیل در اجرای این طرح با ترکیه همکاری می‌کند. اجرای این طرح نگرانی‌های عمیقی را در سوریه و عراق پدید آورده است، زیرا آب‌گیری این سدهای عظیم جریان آب را در پایین‌دست رودخانه به شدت کاهش می‌دهد. اگرچه بعضی معتقدند طبق آمار میزان دریافت دو کشور سوریه و عراق طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ نگرانی‌های این دو کشور بی‌اساس است و وجود این سدها موجب شده است، سوریه و عراق به طور منظم آب دریافت کنند و خطر سیل و خشک‌سالی از آن‌ها برطرف شده است.

از سوی دیگر طرح پروژه خط لوله صلح نیز موضوع پرتنش بین کشورهای این حوزه است. بر اساس این پروژه، آب رودخانه‌های سیحان و جیحان که به مدیترانه می‌ریزند از طریق سوریه، اردن، عربستان سعودی به خلیج فارس منتقل خواهد شد. سوریه در برابر پروژه GAP ترکیه واکنش منفی نشان داده است. اگرچه ترکیه مدعی است سهم سوریه از آب فرات تغییری نیافته است، اما همچنان این مسئله که آب می‌توان ایزاری در دست ترکیه علیه سوریه باشد، پابرجاست. به دلیل آنکه عراق کشور پایین‌دستی در حوزه دجله و فرات است، آب جاری در این کشور در اثر تماس با املاح، ضایعات کشاورزی و آلودگی‌های شیمیایی استفاده‌کنندگان بالادست، تقریباً به پایین‌ترین حد کیفی تنزل یافته است.

در مثلث کشورهای حوزه دجله و فرات، عراق از دو جهت تحت فشار قرار دارد، زیرا از یک طرف نگران سدسازی سوریه و از سوی دیگر نگران پروژه GAP ترکیه و سد عظیم آتاتورک است. هم‌اکنون نیز به دلیل اشغال عراق و نبود یک دولت مستقل وضعیت آبی عراق پیچیده شده است و عراق به خاطر مسائل و مشکلات سیاسی بی‌شمار از آب و دریافت سهم خود بازمانده است. (The same, P29).

۳. حوزه رودخانه اردن

این حوزه کشورهای اردن، اسرائیل، جنوب غربی سوریه و لبنان را درمی‌گیرد. رود اردن از ارتفاعات جنوب شرقی لبنان، جنوب غربی سوریه و شمال سرچشمه می‌گیرد. رود اردن به طول حدود ۳۶۰ کیلومتر و از کوه‌های جبل الشرقی واقع در جنوب غربی سوریه و شرق لبنان سرچشمه گرفته و به سمت جنوب جریان پیدا کرده و به دریاچه جلیله در شمال شرقی رژیم اشغالگر قدس می‌ریزد. این رود قبل از وارد شدن به بحر المیت، مرز بین رژیم اشغالگر قدس و کرانه باختری با اردن را تشکیل می‌دهد. رود اردن تنها منبع تغذیه دریاچه جلیله که به‌عنوان تنها منبع آب سطحی، تأمین‌کننده ۵۰ درصد نیازهای آب شیرین رژیم اشغالگر قدس است، است و رژیم اشغالگر قدس سالانه ۷۰۰ میلیون مترمکعب آب شیرین را از این دریاچه به خطوط لوله و کانال‌های طرح آب‌رسانی ملی که همه شهرهای عمده رژیم اشغالگر قدس از جمله تل‌آویو را در برمی‌گیرد، پمپاژ می‌کند. همچنین بخش زیادی از این آب برای امور کشاورزی به صحرای نقب منتقل می‌شود (Seligman, 2008: 30).



شکل ۴. حوزه رودخانه اردن

www.Transboundarywaters.Orst.Edu/publications/register/tables/IRB_Africa.htm1
ساکنان سراسر این حوزه آبی از کمبود آب شیرین، عدم مدیریت صحیح در حفظ و بهره‌برداری از منابع آب و بدتر از همه از جنگ‌های بی‌پایان قومی و منطقه‌ای رنج می‌برند. رژیم اشغالگر قدس که مناطق وسیعی از این سرزمین‌ها را تحت تصرف خود دارد با دقت و وسواس از منابع آب شیرینی که پس از جنگ‌ها و درگیری‌های بی‌شمار از کشورهای سوریه، اردن و لبنان به غنیمت گرفته است، محافظت می‌کند و تاکنون از احداث سدی که قرار بود به‌عنوان یک پروژه مشترک به وسیله اردن و سوریه برای استفاده از آب رودخانه یرموک ساخته شود، جلوگیری

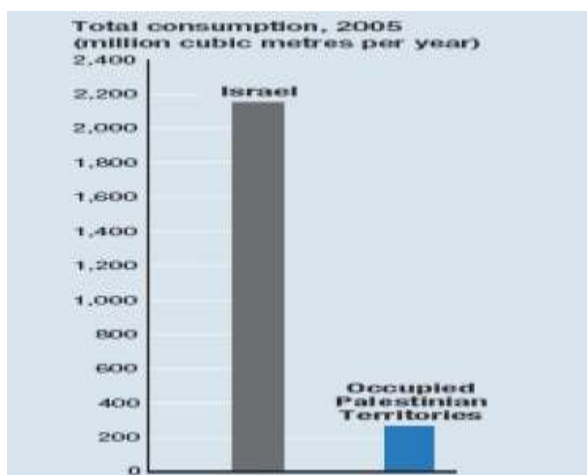
کرده و اعلام داشته است که هرگز نخواهد گذاشت این سد به مرحله بهره‌برداری برسد و آن را بمباران خواهد کرد، به‌گونه‌ای که در جنگ ۳۳ روزه با لبنان تمام تأسیسات و زیرساخت‌های هم‌جوار این رودخانه را مورد هدف قرار داد. کما اینکه عملیات لیطانی در سال ۱۹۷۸ در جنوب لبنان باعث شد که دولت یهود بر منابع آبی معروف به «وازانی» مسلط شود که هر سال حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب را از طریق رودخانه حاسبانی به دریاچه تیب‌ریاد سرازیر می‌کند. از این سطور برداشت می‌شود که یکی از اهداف جنگ‌ها از سال ۱۹۴۸ به بعد در این منطقه، تسلط هرچه بیشتر بر منابع آب بوده است (The same, P35).

کرانه باختری رود اردن و اسرائیل

حوضه رود اردن میان کشورهای اردن، لبنان، سوریه، فلسطین و رژیم اشغالگر قدس تقسیم شده است؛ در مقایسه با سایر رودهای جهان رود اردن نهر کوچکی است که مجموع دبی آن معادل دو درصد جریان نیل با حدود ۷ درصد فرات در سوریه است، ولی همین رود برای اردن و رژیم اشغالگر قدس اهمیت حیاتی دارد و چون به‌تنهایی یک‌سوم حجم سایر منابع رژیم اشغالگر قدس و سه برابر منابع آبی اردن را تأمین می‌کند. قبل از تغییرات مرزی ۱۹۶۷ سه شاخه عمده رود اردن خارج از خاک رژیم اشغالگر قدس سرچشمه می‌گیرد. از سال ۱۹۶۷ رود بانیاس جزو منطقه رژیم اشغالگر قدس قرار گرفته است. ظرفیت سالانه رود اردن که یکی از مهم‌ترین منابع آب شیرین منطقه محسوب می‌شود، ۱۳۰۰ میلیون مترمکعب برآورد می‌شود. کشورهای سوریه، اردن، لبنان و فلسطین دارای حق استفاده از این حوضه آبی هستند.

در میان طرح‌ها جهت تقسیم آب رود اردن طرح جانسون (اردن ۵۳ درصد، رژیم اشغالگر قدس ۳۶ درصد، سوریه ۹ درصد و لبنان ۳ درصد) مورد استفاده دولت‌ها در سال ۱۹۵۵ قرار گرفت. با وجود عدم توافق منطقه‌ای، اردن در سال ۱۹۸۵ شروع به ساختن یک کانالی از یرموک کرد تا بتواند شرق دره اردن را آبیاری کند. در همان سال رژیم اشغالگر قدس هم شروع به ساختن یک کانال ملی به‌عنوان بخشی از طرح جامع آب کرد. مهم‌ترین نقش این کانال ملی منحرف کردن مقدار زیادی آب از دریاچه طبریه به منطقه صحرائی نقب در جنوب برای آبیاری بود. هر دو طرح اردن و رژیم اشغالگر قدس کاملاً موفقیت‌آمیز بوده‌اند. اگر چه برنامه‌های انحراف آب توسط رژیم اشغالگر قدس غاصبانه بوده و دائماً با مخالفت شدید اعراب روبرو شده است. علاوه بر رود اردن، منابع آب زیرزمینی نیز نقش مهمی در زندگی مردم منطقه دارد (Feitelson, 2005: 415). منابع زیرزمینی کرانه باختری و ساحلی نیز جزو آب‌های بین‌المللی محسوب می‌شوند. اهمیت بین‌المللی این منابع به دلیل تبعیت رژیم حقوقی این منابع از قراردادها و آئین‌نامه‌های بین‌المللی آب است. این قراردادها از اقدامات یک‌جانبه کشورهای منطقه برای تغییر مسیر آب جلوگیری می‌کنند.

البته، این محرومیت قانونی در ابتدا به دلیل اینکه رژیم صهیونیستی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب منطقه به شمار می‌رود، بارها از جانب تعدادی از کشورهای منطقه نقض شده است. منابع آب معدنی زیر صحرای نجف (در جنوب فلسطین) و تأسیسات تصفیه آب شور در سواحل دریای مدیترانه دیگر منابع قابل دسترس رژیم صهیونیستی هستند که می‌توانند میزان آب مصرفی ۱۲۰ الی ۲۴۰ سال این کشور را تأمین کنند. رژیم صهیونیستی به دلیل عدم بازتولید منابع آب معدنی و هزینه‌های گران تصفیه آب شور، این دو مورد را در برآوردهای ذخایر آب خود محاسبه نمی‌کند. در عوض، ۶۰ درصد منابع آب خود را از مناطق فلسطین‌نشین را تأمین می‌کند (Feitelson, 2005: 416). درواقع، مصرف سالیانه آب رژیم اشغالگر قدس ۲/۸ میلیارد مترمکعب است که از این مقدار ۱/۷ آن از مناطق فلسطینی ۱۹۶۷ تأمین می‌شود (Onel, 2007: 80). بر این اساس، بعد دیگری تحت عنوان مرزهای اختلاف‌برانگیز به مشکل آب که خود از ماهیت بسیار پیچیده‌ای برخوردار است اضافه می‌شود. در شکل زیر نسبت میزان مصرف آب در فلسطین و رژیم اشغالگر قدس در سال ۲۰۰۵ را نشان می‌دهد:



شکل ۵. میزان مصرف آب در فلسطین و رژیم اشغالگر قدس در سال ۲۰۰۵

Source: Jagerskog and Philips 2006.

باوجوداینکه رود اردن از سرزمین اردن سرچشمه می‌گیرد و بخش مهمی از اراضی آن را آبیاری می‌کند، اما با توجه به اهمیت ویژه‌ای که برای رژیم صهیونیستی دارد، این رژیم مخالف کامل انتقال ذخایر آب موجود در اردن به اراضی آن است. در این راستا، رژیم اشغالگر قدس با بسیج تمام امکانات خود و نیز با توسل به ارتباطات عمیق خود با امریکا اقدام به انتقال آب به وسیله خطوط لوله از دریاچه الخلیل (جلیله) و رودخانه یرموک به تل‌آویو کرده است. درواقع، این اقدام علاوه بر تأمین بخشی از نیاز آب رژیم صهیونیستی، نوعی آسایش سیاسی نیز برای آن کشور به همراه داشته است (The same, P80).



شکل ۶. منابع آبی رژیم اشغالگر قدس

http://www.passia.org/palestine_facts/MAPS/Surface-Water.htm

به طوری که این رژیم علاوه بر تصاحب منابع آب سرزمین‌های عربی، خود را به عنوان فاتح جنگ آب در منطقه آسیای غربی قلمداد می‌کند. از طرف دیگر، چاه‌های آب کرانه باختری نیز برای رژیم اشغالگر قدس از اهمیت حیاتی برخوردار هستند. رژیم اشغالگر قدس، غیر از رودخانه اردن، ۹۰ درصد منابع آب کرانه باختری را نیز مصرف می‌کند. در حقیقت، استفاده صهیونیست‌ها از ۹۰ درصد منابع آب کرانه باختری باعث شکل‌گیری ابعاد گسترده‌ای از قحطی آب در سرزمین‌های تحت سکونت نزدیک به یک میلیون فلسطینی بوده است و به صورت غیرمستقیم نتیجه‌ای غیر از تشدید تنش‌ها بین طرفین در بر نداشته است (Feitelson, 2005: 420).

آینده اقتصادی فلسطین با توجه به پتانسیل آب و برق منطقه به منابع ضروری آب بستگی دارد. رودهای اردن و لیتانی منابع تأمین این نیاز آبی هستند در حقیقت، ترسیم مرزهای دولت تأسیس نشده رهبران صهیونیست بر اساس حوضه‌های آبی، نشان می‌دهد وجود دولت یهودی تنها در سایه کنترل بر منابع آب منطقه معنی پیدا می‌کند. همچنان که رهبران یهودی در اواسط قرن بیستم با رد درخواست‌هایشان از جانب انگلیس و فرانسوی‌ها، برای حل مشکل کمبود آب که با افزایش نسبی جمعیت در منطقه به تبع تشدید مهاجرت یهودیان به منطقه بعد از به حکومت رسیدن هیتلر در سال ۱۹۳۳ در آلمان به وضعیت بحرانی رسیده بود، پروژه‌ای آغاز کردند که ناقض قراردادهای بین‌المللی بود. این پروژه با عنوان لودرمیلک^۱ (۱۹۴۴) برای اقدامات یک‌جانبه رهبران صهیونیستی در جهت تغییر مسیر رود اردن، تأمین آب مناطق یهودی‌نشین و ضمن آبیاری تدارک دشت نجف برای کشاورزی برنامه‌ریزی شده بود.

اهمیت دسترسی به منابع آبی برای رژیم اشغالگر قدس از گذشته تاکنون قابل اثبات است که یهودیان در مذاکرات با مقامات و سران کشورها قابل تبیین است. از جمله:

1. Lowdermilk

۱. چرچیل به هنگام وقوع جنگ جهانی دوم، پس از مذاکراتی که با یهودیان داشت، چنین می‌گوید:

«یهودیان رسماً از من خواسته‌اند که جنوب لبنان که رودخانه لیتانی در آن جریان دارد به فلسطین ضمیمه شده و در مقابل، امکانات یهودیان در خدمت متحدین قرار گیرد.»

این گفته از معاملات یهودیان با نیروهای متحد بر سر منابع آبی سایر کشورها حکایت می‌کند.

۲. یاسر عرفات طی نشست محرمانه‌ای با شیمون پرز، در نهایت موافقت‌نامه‌ای را در گذرگاه «ایرتز» در موضوع آب به امضا می‌رساند که به موجب آن ۶۰ درصد از آب قنات‌های موجود در کرانه باختری به رژیم صهیونیستی و بقیه به تشکیلات خودگردان تعلق می‌گیرد.

موضوع قرارداد فوق، ۳۲۱ حلقه چاه آب بود که در مقام عمل، اجرای بخش مربوط به تشکیلات خودگردان با مشکلات زیادی مواجه می‌شود.

رژیم اشغالگر قدس برای پیشبرد اهداف خود در منطقه، به میزان زیادی متکی به اصول حقوقی‌ای بوده است که به‌عنوان مثال می‌توان به پیمان‌های روتنبرگ، لودرمیلک و جونستون اشاره کرد که در ذیل به‌اختصار به شرح این پیمان‌ها می‌پردازیم:

● پیمان روتنبرگ (۱۹۲۰) اگر چه با هدف تولید الکتریسیته منعقد شد، اما با حمایت مؤثر بریتانیا توانست جایای مناسبی را برای رژیم اشغالگر قدس در دو حوضه آبی (یرموک) و (رود اردن) به وجود آورد.

● پیمان هایس لودرمیلک امریکایی (۱۹۳۸) اساساً به سفارش رژیم اشغالگر قدس و مبتنی بر تحقیقات و پیشنهاد لودرمیلک منعقد شده تا رژیم اشغالگر قدس بتواند طرح انتقال آب از مناطق آبخیز به رژیم اشغالگر قدس را تأیید و تقویت کند.

● پیمان جونستون (۱۹۵۳) نیز در راستای سیاست حمایت امریکا از رژیم اشغالگر قدس در منطقه و با حضور مستقیم امریکا منعقد شد که در نهایت، به افزایش سهم آبی رژیم اشغالگر قدس منتهی شد (The same, 431).

ادامه حیات کنونی رژیم اشغالگر قدس نیز بدون وجود منابع آب فلسطین تقریباً ناممکن است؛ بنابراین، رژیم اشغالگر قدس تلاش خواهد کرد که هیچ‌وقت وضعیت فعلی را از دست ندهد. شایان‌ذکر است، طرح ملی انتقال آب رژیم صهیونیستی که با شروع فعالیت خود از سال ۱۹۵۳ موجب درگیری‌های گسترده‌ای بین این رژیم و همسایگان عرب آن بوده و در حال حاضر نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد، پروژه‌ای به نام لودرمیلک توسط رژیم صهیونیستی تأسیس شده است، به وسیله این طرح ۱۳۰ کیلومتری که از خطوط لوله غول‌پیکر، کانال‌های روباز، تونل‌های زیرزمینی و ایستگاه‌های پمپاژ تشکیل یافته است، منابع آب واقع در قسمت‌های شمالی رژیم اشغالگر قدس را به زمین‌های کشاورزی جنوب آن پیوند داده است که در شکل زیر مشاهده نشان داده شده است:



شکل ۷. منابع آب واقع در قسمت‌های شمالی رژیم اشغالگر قدس

http://www.passia.org/palestine_facts/MAPS/Surface-Water.htm

بر اساس قطعه‌نامه شماره ۱۸۱ سازمان ملل در سال ۱۹۴۷، سرزمین‌های فلسطین به نسبت ۵۶/۴۴ بین فلسطینی‌ها و یهودی‌ها تقسیم شده است. سرزمین‌هایی که برای تأسیس دولت رژیم اشغالگر قدس تخصیص داده شده است، بخشی از رود اردن و دریاچه (جليله) که از منابع بسیار مهم آب منطقه محسوب می‌شوند را در خود جای داده است. با این حال، با استقلال رژیم اشغالگر قدس در سال ۱۹۴۸ وضعیت بیش از این برای فلسطینی‌ها بدتر شد. در واقع رژیم صهیونیستی با قوانینی که وضع کرده بود بخش اعظمی از منابع آب منطقه را به جمعیت یهودی اختصاص داد. رژیم اشغالگر قدس با این هدف، خصوصاً با تشدید سیاست پایین آوردن جمعیت فلسطینی‌ها، توانست نزدیک به ۷۵۰۰۰۰ فلسطینی را مجبور به مهاجرت کند و از مصرف آب منطقه بکاهد. به دنبال این رژیم صهیونیستی با تدوین قانون اساسی خود سیستم شهروندی دوگانه را بنا نهاد. بر این اساس تابعیت رژیم اشغالگر قدسی برای افراد غیریهودی و برای افراد یهودی ملیت یهودی اعطا شد. همچنین، قانون منزلت اجتماعی (۱۹۵۲) رژیم اشغالگر قدس به عنوان دومین اقدام حکومت رژیم اشغالگر قدس شبکه‌ای از همکاری بین چند سازمان ملی برای خدمات‌رسانی به شهروندان برخوردار از ملیت یهودی ایجاد کرد. با توجه به این قانون، سازمان‌هایی مانند سازمان جهانی صهیونیسم و صندوق ملی یهود که بخش عمده‌ای از منابع آب و زیرساخت‌های کشور را کنترل می‌کنند، از ارائه خدمات به شهروندان فاقد ملیت یهودی معذورند. بر این اساس، حقوق آب فلسطینی‌های ساکن رژیم اشغالگر قدس به طور گسترده زایل می‌شود (The same, P433).

با اتمام جنگ سرد، همراه با شروع مذاکرات مادرید در سال ۱۹۹۱ در عرصه بین‌المللی امیدها برای برقراری صلح در منطقه آسیای غربی جوانه زد. آب در همین فرایند صلح یکی از سرفصل‌های اصلی مذاکرات بود. در حقیقت، با امضای قرارداد موقت ۱۹۹۵ بین تشکیلات فلسطین و رژیم اشغالگر قدس پیشرفت‌های مهمی در زمینه موضوع آب حاصل شد. حتی در بین طرفین با تکیه بر اصل رضایت عموم کمیته مشترک آب برای تصمیم‌گیری تأسیس شد این کمیته، به خاطر مسائل سیاسی و بیشتر به دلیل رد پیشنهادهای پروژه انتقال آب رژیم اشغالگر

قدس از فلسطین نتوانست خشنودی فلسطینی‌ها را جلب کند. علاوه بر این، فقدان تجربه، حوادث انتفاضه و نیز روی کار آمدن حزب ملی‌گرای افراطی لیکود در رژیم اشغالگر قدس کمیته مشترک آب را از تأثیر انداخت. کمیته علی‌رغم همه نتایج منفی آن، در جریان حوادث انتفاضه دوم فعالیت‌های خود را به تعلیق درنیاورد و سعی کرد مسائل سیاسی را با مسائل فنی آب یکی نگیرد. اداره آب فلسطین، در سال ۱۹۹۶ و با هدف توسعه منابع آب و توزیع بهینه آن برای فلسطینی‌ها تأسیس شد. قانون آب سال ۲۰۰۲ مورد قبول تشکیلات فلسطین، آب را به‌عنوان یک حق انسانی می‌شناسد و از توزیع عادلانه و مداوم آب حمایت می‌کند (Onel, 2007: 101). بااین‌حال، با توجه به احتمالاتی که وجود دارد، تاکنون اجرای این قانون به دلیل فقدان قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی تشکیلات فلسطینی ممکن نبوده است.

ذخایر آب زیرزمینی نوار غزه و کرانه باختری و آب‌های اردن علیا که در انحصار رژیم اشغالگر قدس هستند، از اهمیت حیاتی برای رژیم اشغالگر قدس برخوردارند. به همین دلیل است که رژیم اشغالگر قدس علاوه بر ملی کردن تمام منابع آب فلسطین، پیوند سیستم آبگذر فلسطین به سیستم آبگذر رژیم اشغالگر قدس، اقدام به هر نوع آبیاری و حفر چاه جدید را به اخذ اجازه از مقامات نظامی رژیم اشغالگر قدسی منوط کرده و دسترسی تمام فلسطینی‌ها به چاه‌های موجود را محدود کرده است.

به‌طورکلی، منابع آب موجود در سرزمین‌های تاریخی فلسطین نقش بسیار مهمی در سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس بازی می‌کنند. کاهش اهمیت این نقش‌آفرینی در آینده نزدیک دور از انتظار است. دلیل آن افزایش جمعیت و نبود نوعی تولید جایگزین در مقابل کاهش روزافزون منابع آب و افت کیفی آن است. همچنین، به دلیل نابرابری موازنه‌های قدرت در بین طرفین، احتمال استفاده از یک سیستم مدیریتی آب منطقه‌ای منصف و عادلانه تقریباً وجود ندارد (The same, P105).

لبنان برخلاف فلسطین، سرزمین غنی از حیث دارا بودن منابع آبی به شمار می‌آید. مجموع منابع آب‌های سطحی لبنان سالیانه حدود ۴۱۳۱/۵۷ میلیون مترمکعب برآورد شده است و از این مقدار، ۴۱۵ میلیون مترمکعب از طریق رودخانه العاصی و ۹۵ میلیون مترمکعب از رودخانه الکبیر به سوریه و ۱۶۰ میلیون مترمکعب از طریق رودخانه الحاصبانی و الوزانی به فلسطین و ۷۰ میلیون مترمکعب به زمین نفوذ کرده یا به دریا می‌ریزد. آنچه برای لبنان باقی می‌ماند ۲۷۶۱ میلیون مترمکعب است که در ایام خشک‌سالی این رقم به ۸۰۰ میلیون مترمکعب می‌رسد تمام مصرف آب در لبنان تقریباً ۹۰۰ میلیون مترمکعب است (طوفان، ۱۳۸۹: ۹۵۴).

سیاست‌های رژیم اشغالگر قدس در لبنان، همیشه دو مؤلفه زمین و آب را با هم مدنظر داشته است. مثلاً در یادداشت ارسالی به کنفرانس صلح ورسای (۱۹۱۹)، این مطلب را می‌توان دید،

آنجا که سران یهودی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس می‌خواهند تا مرزهای پیشنهادی یهودیان را در جنوب لبنان به رسمیت بشناسند:

«مرزهای فلسطین باید از خطوط کلی که در زیر به آن اشاره شده، تبعیت کند: مرزهای شمالی از نقطه واقع در ساحل دریای مدیترانه در جوار صیدا شروع و شامل آبراه‌های کوه‌های لبنان تا پل قرعون می‌باشد...»

یکی از استراتژی‌های کلان رژیم اشغالگر قدس دستیابی به آب‌های رودخانه لیتانی است تا قسمت‌هایی از این رودخانه را زیر سلطه خود درآورد. در واقع رژیم اشغالگر قدس با اتکا به توان تکنولوژیک و حربه نظامی و غیرنظامی توانسته خود را در معادلات آبی منطقه مطرح سازد، به‌گونه‌ای که حضور خود را شرط مشروعیت هرگونه قرارداد آبی در منطقه قلمداد کرده و صراحتاً بیان داشته است که هر قراردادی برای تعیین وضعیت آب یرموک و رود اردن، ناگزیر باید به امضای دو طرف، (یعنی اعراب و رژیم اشغالگر قدس) برسد و در غیر این صورت، کارایی لازم را نخواهد داشت.

نزاع رژیم اشغالگر قدس با لبنان در سال ۱۹۷۸ که به عملیات لیتانی مشهور است به اشغال بخشی از جنوب لبنان شامل قسمتی از بقاع غربی واقع در سرحدات جنوب تا رودخانه انجامید. یکی از اهداف عمده رژیم اشغالگر قدس از این اقدام اشراف بر مسیر رودخانه لیتانی بود، اگر چه برای آن بهانه‌های امنیتی می‌تراشید و اعلام می‌کرد که به محض تحقق «شرایط امنیتی ویژه برای رژیم اشغالگر قدس» این منطقه را تخلیه خواهد کرد. استقرار قابل تأمل ارتش صهیونیستی در مناطق خاص و قادر ساختن رژیم اشغالگر قدس در دستگیری مجرای رودخانه لیتانی به سوی رژیم اشغالگر قدس از یک سو و امتداد نوار مرزی امنیتی تا شمال سد مهم رود لیتانی در پیچه‌های خروجی آب سدها را در اختیار رژیم اشغالگر قدس می‌گذاشت، از سوی دیگر، به‌خوبی نشان‌گر سنگینی کفه ملاحظات آبی در ترازوی اهداف رژیم اشغالگر قدس از طراحی این عملیات بود (همان، ۱۹۵۵).

اردن اقدام به عقد قرارداد صلح سال ۱۹۹۴ با این رژیم کرده است که مطابق آن، رژیم اشغالگر قدس ضمانت کرده سالیانه ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب به اردن -به ویژه از رود یرموک- برسد. در این خصوص نیز باید گفت که نشست‌های محرمانه و پنهانی شاه حسین و نتانیاهو در نهایت نتوانسته حداقل نیازهای آبی اردن را برآورده سازد. به‌گونه‌ای که در سه سال پایانی منتهی به سال ۱۹۹۷، سقف آب دریافتی اردن از محل قرارداد ذکر شده به ۵۰ میلیون مترمکعب در سال رسیده که آن هم عموماً از رود یرموک نبوده است. با عنایت به مصرف سالیانه ۹۰۰ میلیون مترمکعب آب در اردن و پیش‌بینی اولیه سران این کشور برای تأمین حدود ۲۳ درصد از آب مورد نیاز از محل مصالحه با رژیم اشغالگر قدس، معلوم می‌شود که نتیجه این معامله، هرگز مثبت نبوده و در عمل، سود اصلی را رژیم اشغالگر قدس برده است (همان، ۱۹۵۶).

اصولاً استراتژی رژیم اشغالگر قدس در جنوب لبنان مبتنی بر دو اصل است: تخلیه مناطق اشغالی از سکنه عرب و ادامه اشغال منطقه جنوب شرقی لبنان که از سکنه خالی شده تا زمان پایان یافتن ساختمان پروژه انتقال رودخانه لیتانی به رژیم اشغالگر قدس. برای تأمین دو هدف فوق ارتش رژیم اشغالگر قدس در جنوب، سیاست زمین سوخته را در پیش گرفت. اقدام اوت ۱۹۸۴ این رژیم در حصار کشیدن دور زمینی به طول یک کیلومتر در اطراف سرچشمه‌های رود وزانی و ممانعت از ورود ناظران سازمان ملل به این منطقه به خوبی مؤید ادعای فوق است. مقامات رژیم اشغالگر قدس قبلاً اعتراف کرده بودند که به جای اینکه دو رود وزانی و حاصبانی به دریاچه طبریه ریخته و از آنجا به رژیم اشغالگر قدس سرازیر شود (یعنی وضعیتی که هم‌اکنون وجود دارد) درصدد آزمایش طرح‌های انتقال سیستم آب دو رود یادشده به رژیم اشغالگر قدس می‌باشند که به وسیله شاه‌لوله‌های زیرزمینی و بدون عبور از دریاچه طبریه انجام شود (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱).

تحلیل و ارزیابی

مسئله آب، استراتژی‌های رژیم صهیونیستی را در گذشته و در آینده تحت تأثیر داشته و خواهد داشت و مسئله آب برای این رژیم، فراتر از یک موضوع مربوط به توسعه، مسئله‌ای مرتبط با موجودیت این کشور است و از عوامل بنیادی ادامه طرح صهیونیسم در منطقه است. رژیم اشغالگر قدس به‌طور کلی در اندیشه تسلط بر منابع آبی اعراب است و برقراری ارتباط بین این رژیم و حکومت ترکیه که به سبب بهره‌گیری از منابع فراوان آبی خواهان نقش فعالی در آینده منطقه است، می‌تواند برای اعراب به‌ویژه سوریه و عراق که بیشتر آب مورد نیازشان را از خاک ترکیه تأمین می‌کنند خطر آفرین باشد و منابع آبی کشورهای عربی را نیز به خطر روبرو سازد. رژیم اشغالگر قدس تأمین نیازهای آبی خود را در اولویت سیاست‌های تجاوزکارانه خود قرار داده است و کنترل بر منابع آب رود اردن و کلیه سفره‌های آبی کلیدی را به‌عنوان حداقل نیاز امنیتی خود تلقی می‌کند و حتی در صورت عقب‌نشینی از اراضی اشغالی در فکر تسلط به منابع آبی این منطقه است و درواقع بدون حل مشکلات آب، تدابیر امنیتی محال خواهد بود. این بدان معنی است که رژیم اشغالگر قدس برای حفظ منابع آبی هر اقدامی انجام خواهد داد؛ بنابراین، چنین تحلیل‌هایی باعث شده است که کارشناسان مسائل خاورمیانه بر این اعتقاد باشند که اگر در دهه آینده جنگی میان اعراب و رژیم اشغالگر قدس روی دهد، به احتمال زیاد این جنگ بر سر منابع آب خواهد بود (جدیدی، ۱۳۹۶: ۸۷). حیات رژیم اشغالگر قدس به منابع آبی مناطق مرزی از جمله دریاچه طبریه، رود اردن، یرموک و بانیاس و مناطق اشغالی کرانه باختری و جنوب لبنان وابسته است و رژیم صهیونیستی در حال حاضر بدون تسلط بر این آب‌ها قادر به ادامه حیات خود نیست. حتی اگر زمانی رژیم اشغالگر قدس در طی روند صلح خاورمیانه مجبور به

عقب‌نشینی از مناطق اشغالی شود به تسلط خویش بر منابع آبی این مناطق ادامه خواهد داد مگر زمانی که به منابع آبی مطمئن‌تر و ارزان‌تر خارج از محدوده رژیم اشغالگر قدس دست یابد مانند انتقال بخشی از آب رود نیل به رژیم اشغالگر قدس و همچنین انتقال آب از ترکیه. همواره منابع آبی و زمین برای رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان ابزار استراتژیک بوده است و ادامه حیات آن درگرو به دست آوردن آب و زمین بیشتر است. روشن می‌شود که آب اهمیت حیاتی برای رژیم اشغالگر قدس دارد و این کشور شدیداً با کمبود آب مواجه است.

از طرفی این رژیم منابع آبی مناطق اشغال‌شده را به‌سرعت مورد استفاده قرار می‌دهد و درواقع حیات رژیم اشغالگر قدس به آب‌های مناطق اشغالی وابسته است به این جهت رژیم اشغالگر قدس به‌هیچ‌وجه حاضر نیست منابع آبی مناطق اشغالی را از دست دهد. آب از همان ابتدا به‌عنوان یکی از ارکان امنیتی رژیم اشغالگر قدس مطرح بوده و حتی پیش از تأسیس این دولت از سوی صهیونیست‌ها، به‌عنوان یک منبع حیاتی در معادلات کلان منطقه، مطرح می‌شده است، اما از سال ۱۹۴۸ تا به امروز، رژیم اشغالگر قدس مشکلات عدیده‌ای در خصوص تأمین آب مورد نیاز خود یافته و آمارهای موجود، حکایت از کمبود آبی بالغ بر یک سال ذخیره آبی و عدم توانایی منابع داخلی برای تأمین نیازهای فزاینده رژیم اشغالگر قدس دارد. مهم‌ترین اقدامات صهیونیست‌ها در زمینه آب، که نشانگر آگاهی آنها به این مایع استراتژیک است بدین شرح است؛ آرمان جاه‌طلبانه صهیونیسم برای تأسیس کشوری به نام رژیم اشغالگر قدس، به‌گونه‌ای طراحی شده که منابع آبی مهم منطقه را در برمی‌گیرد (جدیدی، ۱۳۹۵: ۲۱).

نتیجه‌گیری

تقسیمات سیاسی منطبق بر حوضه‌های آبریز طبیعی نیست و مرزهای بین‌المللی بین کشورها نیز با آن منطبق نیست و این عدم تطابق تقسیمات سیاسی با حوضه‌های آبریز سبب اصلی ایجاد سوء مدیریت و عدم مدیریت بهینه منابع آب و در طولانی‌مدت سبب ایجاد بحران و تنش آبی در کشور و در کل منطقه خاورمیانه و جهان اسلام شده است امری که در آینده نزدیک منجر به جنگ آب در کشور و نیز در سراسر خاورمیانه خواهد شد.

بنابراین برای حل بحران فراگیر آب و مدیریت بهینه و راهبردی آن باید تقسیمات سیاسی با حوضه‌های آبریز و واقعیت‌های جغرافیائی سازگار شوند، زیرا تقسیمات سیاسی و مرزهای قراردادی یک تقسیمات جعلی و ساخته و پرداخته دست و ذهن انسان و غیر منطبق با واقعیت‌های جغرافیائی و طبیعی و آب‌وهوایی و قوانین و سنت‌های الهی در تکوین جهان خلقت است.

همچنین بلوک‌بندی‌های منطقه‌ای و اتحادهای سیاسی و اقتصادی بین کشورهای همسایه هم فارغ از مسائل سیاسی و مذهبی و قومی و زبانی و دغدغه‌های دولت‌ها باید با توجه به حوضه‌های آبریز و واقعیت‌های جغرافیائی و آب‌وهوایی و زیست‌محیطی انجام شوند تا مثمر ثمر و پایدار و

راهبردی و در جهت منافع مشترک ملت‌ها باشند وگرنه این اتحادها و بلوک‌بندی‌ها در گذر زمان در معرض واگرایی و فروپاشی قرار گرفته و تبدیل به تقابل و تعارض خواهند شد. به عبارت دیگر بحران کنونی آب در جهان عمدتاً ناشی از مدیریت سیاسی بر منابع آب و تحمیل تقسیمات سیاسی ناپایدار و عرضی بر واقعیت‌های جغرافیائی و ارضی پایدار است و بنابراین برای حل بحران آب و مدیریت پایدار آن باید سیاست تابعی از آب‌وهوا باشد نه بالعکس.

دجله و فرات از بالادست توسط ترکیه در کنترل قرار گرفته و این موضوع باعث می‌شود بخشی از تالاب هورالعظیم را از دست بدهیم و این قضیه تبدیل می‌شود به بحث گردوغباری که ایران، عربستان و حتی عراق و سوریه را تهدید می‌کند. خیلی وقت‌ها پروژه‌های توسعه‌ای که بر سر استحصال آب صورت می‌گیرد با نگاهی کوتاه‌مدت است که بسیاری از اثرات زیست‌محیطی در پایین‌دست را مدنظر قرار نمی‌دهد.

این منطقه به دلیل وجود آب‌های مرزی مشترک، همواره محل نزاع و مناقشه بر سر استفاده از این منابع بوده است، مسائلی که می‌تواند موجب تشدید آستان حوادث بحران آب در این منطقه شود باید مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد، با بررسی‌های صورت گرفته، به این نتیجه می‌رسیم که این بحران جدی است و با توجه به افزایش نیاز به آب، کشورهای واقع در منطقه آسیای غربی با تنش‌های پرمخاطره‌ای روبرو هستند. کشورهایی مانند عربستان سعودی، سوریه، رژیم اشغالگر قدس، قطر، امارات، بحرین و کویت حتی با توجه به وجود تأسیسات بی‌شمار آب‌شیرین‌کن و طرح‌های دیگر، نگران آینده آبی خود هستند. در این میان وضعیت ایران و ترکیه به مراتب بهتر است و در صورت مدیریت صحیح منابع آبی خود، می‌توانند علاوه بر استفاده مطلوب از منابع آبی، برنامه‌ریزی بلندمدتی برای صادرات آب به سایر کشورها انجام دهند. در حال حاضر کشور عراق از نظر منابع آب به شدت وابسته به خارج از مرزهای خود است و این مشکل در مورد رودخانه‌های فرات بسیار شدیدتر است، کشور عراق امیدوار است با توجه به اینکه اثرگذاری ترکیه بر دجله کمتر است، بخشی از کمبود آب در حوضه فرات را با انتقال آب از حوضه دجله جبران کند و با استفاده از آب مازاد دجله (حداکثر ده میلیارد مترمکعب) از نابودی اکوسیستم‌های آبی موجود در جنوب این کشور جلوگیری کند.

کتاب‌نامه

۱. ببران، صدیقه؛ هنربخش، نازلی. (۱۳۸۷). بحران وضعیت آب در ایران و جهان. پژوهشنامه مطالعات توسعه پایدار و محیط‌زیست، (۱)، تهران، اندیشه برتر پویا، ۱۰-۱۱.
۲. جدیدی، الهه. (۱۳۹۵). بررسی هیدروپلیتیک بحران آب در آسیای غربی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها. اولین همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان/اسلام، ۱۸-۱۹.
۳. جدیدی، الهه. (۱۳۹۶). نقش راهبردی آب در ژئوپلیتیک آسیای غربی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سراسری گیلان.
۴. چیت‌ساز، محسن. (۱۳۸۶). آب و امنیت بین‌المللی، پژوهشنامه مطالعات توسعه پایدار. (۱)، تهران، اندیشه پویا برتر، ۱۰-۱۱.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۷۱). تنگه هرمز و حقوق بین‌الملل دریاها. مجله رشد جغرافیا، (۲۹)، ۱۹-۲۰.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹). یک منطقه ژئوپلیتیکی چگونه تحول می‌یابد؟ فصلنامه ژئوپلیتیک، (۱)، (۱۱).
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). آب و تنش‌های اجتماعی-سیاسی، مطالعه موردی: گناباد. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۶۵-۶۶.
۸. صادقی، سید شمس‌الدین. (۱۳۸۵). هیدرولیک و بحران آب. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۱۶-۱۱۵.
۹. قلی‌زاده، علی. (۱۳۹۰). نقش آب به‌عنوان ابزار سیاسی در مناقشه فلسطین-رژیم صهیونیستی. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۵، ۱۰-۱۱.
۱۰. ماهنامه بقیع. (۱۳۷۱). ارکان روحانیت مبارز جزیره العرب، شماره ۹، (۱۶).
۱۱. مختاری‌هشی، حسین؛ قادری حاجت، مصطفی. (۱۳۸۷). هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵ م، مطالعه موردی: حوضه‌های دجله و فرات، رود اردن و رود نیل. فصلنامه ژئوپلیتیک (۱).
۱۲. معموری، علی؛ کاظمی، سید آصف. (۱۳۹۰). نقش اسرائیل در بحران آب خاورمیانه، سخن تاریخ قم. جامعه‌المصطفی‌العالمیه، (۱۲)، ۱۲۱-۱۵۰.
۱۳. ناجی، سعید. (۱۳۸۲). تحلیلی بر ژئوپلیتیک خاور نزدیک بزرگ. انتشارات گهرشاد.
۱۴. نامی، محمدحسن؛ محمدپور، علی. (۱۳۸۹). بررسی هیدروپلیتیکی حوضه‌های غرب کشور. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، (۱۴).
۱۵. نجیب، عیسی. (۱۳۷۳). نقش آب در توسعه خاورمیانه، مطالعات خاورمیانه. تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شماره ۱، ۵۵-۶۳.

۱۶. نهازی، غلامحسین. (۱۳۷۸). *بحران آب در خاورمیانه*. تهران: مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

۱۷. وطنی، طیب. (۱۳۹۱). *آب، چالش آینده خاورمیانه*. تهران: انتشارات بی‌زمان.

References

1. Baqiya Monthly (1992), **The Pillars of the Fighting Clergy of the Arabian Peninsula**, Ninth Year, No. 16.
2. Babran, Sedigheh and Honarbakhsh, Nazli (2008), **Water Crisis in Iran and the World**, *Journal of Sustainable Development and Environmental Studies*, No. 1, Tehran, Pouya Andisheh Bartar. (in Persian).
3. Chitsaz, Mohsen (2007), **International Water and Security**, *Journal of Sustainable Development Studies*. the first number. Tehran. Superior dynamic thinking. 47. (in Persian).
4. Feitelson, Eran (2005), **“Political Economy of Groundwater Exploitation: The Israeli Case”**, *Water Resources Development*, Vol 21, No 3, pp 413 – 423.
5. Frederiksen, Harald D (2003) **“Water: Israeli Strategy, Implications for Peace and The Viability of Palestine”**, *Middle East Policy*, Vol 10, No 4, pp.69 – 86.
6. Gholizadeh, Ali (2011), **The role of water as a political tool in the Palestinian-Israeli conflict**, *Foreign Policy Quarterly*, Twenty-fifth year, No. 2, Summer. (in Persian).
7. Hafeznia, Mohammad Reza (1992), **Strait of Hormuz and International Law of the Seas**, *Journal of Growth Test of Geography*, No. 29. (in Persian).
8. Hafeznia, Mohammad Reza (2010), **How does a geopolitical region evolve?** *Geopolitical Quarterly*, Year 6, Issue One. (in Persian).
9. Hafeznia, Mohammad Reza and Nikbakht (2002), **Water and Socio-Political Tensions, Case Study: Gonabad**. *Journal of Geographical Research*, Year 17, No. 66-65. (in Persian).
10. Jad, Isaac, (1999). **“The role of Ground Water in the Water Conflict and Resolution between Israeli and Palestinian, International Symposium on Ground Water Sustainability”**, Applied Research Institute – Jerusalem.
11. Jadidi, Elahe (1396), **The Strategic Role of Water in the Geopolitics of West Asia**. *Master Thesis*, Guilan University. (in Persian).
12. Jadidi, Elaheh (2016), **Hydropolitical study of water crisis in West Asia; Opportunities and Challenges**, the first international conference on geopolitical crises in the Islamic world. (in Persian).
13. Jägerskog, Anders (2007), **“Why States Cooperate Over Shared Water: The Water Negotiations in the Jordan River Basin”**, (2007), in the book *Water Resources in the Middle East*, Berlin: Springer Berlin Heidelberg, pp195–202.
14. Mamouri, Ali and Kazemi, Seyyed Asef (2011), **The role of Israel in the Middle East water crisis**, *History of Qom, Al-Mustafa Al-Aali Society*, No. 12, pp. 150-121. (in Persian).

15. Ministry of Energy, **Deputy Minister of Water Affairs (1993-1997)**, Studies on National Water Management Strategies. Volumes 1 to 3. (in Persian).
16. Ministry of Energy, Deputy Minister of Water Affairs (1998), **Studies on National Water Management Strategies**. Volumes 1 and 3. (in Persian).
17. Mokhtari Hashi, Hossein and Ghaderi Hajat, Mostafa (2008), **Middle East Hydropolitics on the Horizon of 2025 AD, Case Study: Tigris and Euphrates Basins, Jordan River and Nile River**, Geopolitical Quarterly, Fourth Year, First Issue. (in Persian).
18. Murakami, Masahiro (1995). **"Managing Water for Peace in the Middle East"**, Alternative Strategies. Tokyo: United Nations University Press.
19. Nahazi, Gholam Hossein (1999), **The Water Crisis in the Middle East. Tehran: Center for Strategic Studies in the Middle East**. (in Persian).
20. Naji, Saeed (2003), **An Analysis of the Geopolitics of the Greater Near East**, Gohar Shad Publications. (in Persian).
21. Najib, Issa (1993), **The role of water in the development of the Middle East, Middle East studies**, Tehran, Center for Scientific Research and Strategic Studies of the Middle East, No. 1, 63-55. (in Persian).
22. Nami, Mohammad Hassan and Mohammadpour, Ali (2010), **Hydropolitical study of the western basins of the country**. Journal of Geography and Regional Development, No. 14. (in Persian).
23. Obidollah, Mohammed T, (2009). **"Water and the Palestinian-Israeli Conflict"**, CE JISS. (in Persian).
24. Onel, Ergun (2007), **"Ham Petrol Enerji"**, http://www.iyibilgi.com/haber.php?haber_id=36066.
25. Sadeghi, Seyed Shamsuddin (2006), **Hydraulics and Water Crisis**. Political and economic information. No. 115-116. 45. (in Persian).
26. Seligman, Daniel (2008). **"World's major rivers: An introduction water law with case studies"**, Las Vegas: Colorado River Commission of Nevada.
27. UNDP, 2016, **"Human Development & Water Resources of Report 2016"**, Rom, Italy: UNDP. P17
28. Watani, Tayebbeh (2012), **Water, the future challenge of the Middle East**. Tehran: Timeless Publications. (in Persian).

